

ایران و درام نویسان بزرگ جهان

(۲۱)

دکتر مهدی فروغ
رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک

موضوعها و مضمونهای ادبی و تاریخی ایران در آثار نمایشنامه‌نویسان معروف جهان

در فصل پیش گفتیم که «ژرژ فردریک هندل» موضوع «اوراتورویو»ی ملکه استر را از نمایشنامه‌ای بهمین نام که «ژان راسین»^۱، نمایشنامه‌نویس معروف فرانسه، در سده هفدهم، نوشته بود اقتباس کرد. اینک بمرور نظر میرسد که درباره این نویسنده فرانسوی، و نمایشنامه‌اش نیز مطالبی تا حدود امکان بیان کنیم.

«ژان راسین» با رقیب همعرازش «پییر کرنی»^۲ دورکن استوار ادبیات «نئوکلاسیک»^۳ فرانسه، در ترازوی بشمار می‌آیند.

نظر به تغییر و تحول عظیمی که در سده هفدهم، در زمینه‌های مختلف، در کشور فرانسه پدید آمده و مسلم است که «راسین» از تأثیر آن بدور نمانده، بی‌مناسبت نیست که درباره اوضاع و احوال اجتماعی و مذهبی و سیاسی این قرن شرحی در کمال اختصار بیان شود.

مردم فرانسه پس از سالها کشمکش و ستیزه و اغتشاش، که حاصل دعوای سیاسی و تعصبات مذهبی بود، در اواسط سده شانزدهم، خود را بداشتن یک دولت پر قدرت مرکزی نیازمند دیدند.

لویی چهاردهم که مردی بسیار قدرت‌طلب و یک‌رأی و توانا بود مناسبترین پادشاهی بود که میتواند علاقه و توجه مردم را برای رسیدن باین مقصود بسوی خود جلب کند. گرچه این تحول از زمان سلطنت لویی سیزدهم، بنسبت صدراعظم با کفایتش «کاردینال ریشلیو»^۴ آغاز شده بود ولی در زمان سلطنت لویی چهاردهم، و صدارت «مازارین»^۵ و «کولبر»^۶ به اوج ترقی رسید، آگاهی باین وقایع عادی اقتصادی و مالی و اجتماعی برای بی‌بردن به شکل و فلسفه سبک «نئوکلاسیک» کاملاً لازم است.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - Jean Racine

۲ - Pierre Corneille (۱۶۸۴ - ۱۶۰۶) با نوشتن نمایشنامه‌هایی مثل «هوراس» Horace

و «سینا» Cinna و «پولیوکت» Polyeucte - سهولت ترازوی، و «لوئید» Le Cid - بصورت «تراژدی کمدی» و نمایشنامه‌های دیگر، که اکثر آنها در جهان مشهور است بعنوان پدر تراژدی فرانسه شناخته شده است.

۳ - Neo-Classicism در تاریخ ادب و هنر اروپا به دوره‌ای اطلاق میشود که در آن نویسندگان و شاعران و هنرمندان با بیداری و توجه و علاقه بخصوصی کوشش کرده‌اند اصول و قواعد ادبی و هنری یونان و رم قدیم را در آثار خود بکار ببرند، و شامل سده هفدهم و هیجدهم میشود ولی آغاز و انجام آن در کشورهای مختلف اروپا متفاوت است. در این دوره که ارباب حس، بظاهر مشغول احتیای دوران کلاسیک بودند دوره جدیدی بوجود آوردند که در تاریخ ادب و هنر جهان ممتاز شد.

۴ - Cardinal de Richelieu (۱۶۴۲ - ۱۵۸۵) صدراعظم لویی سیزدهم و یکی از سیاستمداران

بزرگ فرانسه.

۵ - Mazarin (۱۶۹۱ - ۱۶۰۲) صدراعظم لویی چهاردهم که دواصل ایتالیایی بود ولی تبعیت فرانسه را پذیرفته بود، و یکی از مردان با کفایت و سیاستمداران پر قدرت تاریخ سیاسی فرانسه محسوب میشود.

۶ - Colbert (۱۶۸۳ - ۱۶۱۹) سیاستمدار و وزیر امور مالی فرانسه در زمان لویی چهاردهم که اقداماتش در بهبود اوضاع صنعتی و تجاری و اقتصادی فرانسه بسیار مؤثر بوده است.

علاقه مردم به نظم و ترتیب ، و ایجاد انضباط و قاعده در همه امور زندگی ، و بخصوص در ادبیات ، موجب شد که نقادان و سخن‌سنجان ، بجای اینکه برای نویسندگان و هنرمندان آزادی و استقلال کامل را ضروری بدانند بیشتر در صدد مقایسه و مقابله آثار هنری و تعیین اعتبار و مزیت یکی بر دیگری برآمدند . ملاحظات نقادان بیشتر عنوان قاعده و قانون پیدا کرد و از همین موقع بود که سه وحدت زمان و مکان و موضوع ، شرط لازم برای تشخیص آثار دراماتیک تعیین شد و با وجود اینکه بعضی از درام‌نویسان ، از بکار بردن آن ناراضی بودند ولی در تمام دوران «نئوکلاسیک» در نمایشنامه‌های خود آنرا منظور می‌داشتند . دوره قرون وسطی دوره آزادی مطلق بود زیرا نویسندگان و هنرمندان ، وقت خود را بیشتر به تمرین و تجربه صرف می‌کردند ، در صورتیکه در دوران «نئوکلاسیک» ، در نتیجه بوجود آمدن قواعد و دستورهای در ادبیات ، و ایجاد سازمانها و مدارس عالی هنری و ادبی ، رعایت قوانین وضع شده ، لازم تشخیص داده میشد و آزادی دوره‌های گذشته از نویسندگان سلب گردید .

در تاریخ ادبیات اروپا نخستین آکادمی در سال ۱۵۵۲ ، باین قصد که زبان ایتالیایی را از تعبیحات کبریه و اصطلاحات زشت پاک کند بوجود آمد و در سده هفدهم بود که نظیر آن مؤسسه ، با همین هدف در کشورهای فرانسه و اسپانیا و آلمان و پرتغال افتتاح شد . ولی مهمترین آنها آکادمی فرانسه بود که لوئی سیزدهم در سال ۱۶۳۵ آنرا برسمیت شناخت . وظیفه آکادمی فرانسه این بود که زبان فرانسه را با وضع تنفیذ دستور زبان ، صراحت و کمال بخشد و آنرا از نقص پاک سازد و به آن امکان دهد که در ادب و هنر بشکلی کامل بکار رود . به همین دلیل نخستین تصمیمی که برای رسیدن باین هدف گرفته شد تدارک فرهنگ ، دستور زبان ، و رساله‌هایی در باب فنون شعر و خطابه بود .^۶

کشور فرانسه در نتیجه این اقدامات مرکز نهضت «نئوکلاسیک» اروپا شد و ادب و هنر فرانسه در تمام این مدت ، و حتی سالها بعد از آن ، برتری خود را بر ادب و هنر ملت‌های دیگر آن قاره حفظ کرد . تاریخ آغاز این دوره را در آن کشور سال ۱۶۳۵ یعنی همان سال تأسیس آکادمی میدانند که اتفاقاً مقارن بانمایش نخستین تراژدی معروف «کرنی» بنام «مه ده»^۷ نیز بود . یکی دیگر از عوامل مهمی که در ظهور مکتب «نئوکلاسیک» در فرانسه مؤثر واقع گردید توجهی بود که به کیفیت برگزاری نمایش و نمایشنامه‌نویسی مبذول شد . برای توضیح مطلب لازم است کمی بعقب برگردیم .

در اواخر سده شانزدهم ، نمایش‌های مذهبی «میستر»^۸ بصورتی زشت و زننده درآمد بود . برای جلوگیری از ادامه این وضع ، مجلس ملی فرانسه ، در سال ۱۵۴۸ این نمایشها را

۷- آکادمی فرانسه در سال ۱۶۹۴ فرهنگ مورد نظر خود را آماده چاپ و انتشار ساخت ولی درباره انتشارات دیگر توفیق زیادی بدست نیاورد . افتتاح آکادمی فرانسه نشانه تمایل زیاد مردم آن کشور بود اینکه برای بیان عقائد و نظریات خود قاعده و قانونی مسلم و بدون شبهه و تردید داشته باشند و از آنجا که برای همه مردم میسر نبود که برای چنین مقصود مهمی نظریات شخصی خود را اعمال کنند اختیار این کار را به گروهی از زبان‌شناسان و ادیبان دادند که در زبان فرانسه نظم و نسق ایجاد کنند . از آنجا که اعضای آکادمی فرانسه در رسیدگی به امور ادبی از منطلق عقل سلیم پیروی می‌کردند این دوره را در فرانسه دوران منطقی نیز مینامند .

۸ - **Medée** نمایشنامه معروفی است که «اوریبید» **Euripide** تراژدی‌نویس نامدار یونانی در ۴۳۱ پیش از میلاد نوشته و عددهای از نمایشنامه‌نویسان ، داستان آنرا گرفته و بنا به سبک و سلیقه خود بصورت نمایشنامه تنظیم کرده‌اند و از جمله معروفترین آنها میتوان «سنگ» **Sénèque** تراژدی‌نویس رم قدیم را نام برد که «مه ده» بهترین نمایشنامه او محسوب میشود . پس از او تراژدی «کرنی» به همین نام و با همین مضمون یکی از آثار بزرگ دراماتیک جهان است . در سال ۱۹۴۶ یک نمایشنامه‌نویس امریکایی موسوم به «رابینسون چه‌فرز» **Robinson Jeffers** نیز همین داستان اندوه‌ها را با همین نام بصورت نمایشنامه درآورد .

داستان «مه ده» بنا به تاریخ اساطیری یونان قدیم ، و نمایشنامه «اوریبید» اینست که «ژازون» **Jason** پهلوان معروف یونانی با پنجاه نفر پهلوان دریانورد دیگر ، در یک کشتی بنام «ارگو» **Argo** به «کلئید» **Colchid** واقع در جنوب گرجستان فعلی ، می‌رود تا «بشم زرین قوچ» که حکم گنجینه‌ای را

ممنوع کرد در صورتیکه نمایش «فرس»^{۱۰} و «مورالیت»^{۱۱} در «هتل دوپورگوتی»^{۱۲} که تنها تالار مجهز نمایش درپاریس بود، و اجازه برگزاری اینگونه نمایشها را در شهر و حومه بدست آورده بود، همچنان ادامه داشت. ولی نمایشهای «فرس» نمیتوانست مورد پسند لعلیفطبعان و نازک خیالان و دانشاندوزان باشد. این طبقه انتظار داشتند که «روناس»^{۱۳} و همقدراتش، یعنی گروه ادیبان و سخن‌سنجان، که خود را «پلهیاد»^{۱۴} مینامیدند، همانطور که در شعر و سخنبردازی نظم و قاعده ایجاد کرده بودند در ادبیات دراماتیک نیز قواعد و دستورهای ترتیب دهند. اعضای این انجمن شاعران، طرفدار نوشتن نمایشنامه به شیوه نمایشنامه‌نویسان یونان و روم قدیم بودند، و باین ترتیب نمایشنامه‌هایی نوشته شد که اولاً علاقمندان معدود داشت و ثانیاً فقط برای خواندن بکار میرفت نه برای بازی در روی صحنه.

ولی در آخرین سال سده شانزدهم یعنی سال ۱۵۹۹ «هتل دوپورگوتی» به اجاره گروهی از هنرمندان تئاتر درآمد که نویسنده‌ای زیرک و خوش ذوق بنام «الکساندر هاردی»^{۱۵} آنرا اداره میکرد. «الکساندر هاردی» در حدود هفتصد نمایشنامه تنظیم یا اقتباس کرد و به نمایش گذاشت

در حکومت یونان قدیم داشت و در آن کشور در درختی پنهان کرده بودند و از دهایی از آن مراقبت میکرد. بیاورد، زیرا «پلیاس» Pélías عسوی ناتنیاش که تخت و تاج پدري او را نصب کرده بود باو وعده داده بود که اگر «پشم زرين قوچ» را بیاورد تخت و تاج را باو تسلیم خواهد کرد. «زازون» در این سفر با مشکلائی (نظیر مشکلائی که رستم در راه مازندران، هنگامی که میخواست کیکاووس را از بند نجات دهد با آن مواجه گردید) روبرو میشود و برهنه پیروز میگردد. «مده» دختر پادشاه «کلئید» که از سحر و جادو آگاه است بعتق «زازون» گرفتار میشود و او را برای ربودن «پشم زرين» و تسلط بر مشکلائی بازی میدهد و حتی برادر خود را میکند تا بتواند با معشوق از «کلئید» بگریزد. پس از بازگشت بیزد «پلیاس»، او را هم با خنده بقتل میرساند و هر دو تبعید میشوند و به «کرتون» uoou پادشاه «کورینت» Corinth پناه میبرند. ده سالی در «کورینت» زندگی میکنند و دو فرزند پسر بهار می‌آورند. در این موقع «زازون» از «مده» دلسرد میشود و در صدد ازدواج با دختر پادشاه «کورینت» برمی‌آید. «کرتون» با این ازدواج موافقت مینماید و «زازون» را بجایشی خود تعیین میکند، اما «مده» که تحمل دوری معشوق را ندارد رقیب و حتی فرزندان خود را میکند و باین ترتیب از معشوق انتقام میگیرد. بنابه روایى در تاریخ اساطیری یونان قدیم «زازون» هم بعد از این ماجرا خودکشی میکند.

۹ - Mystère نمایشهای مذهب قرون وسطی که در آن خداوند و فرشتگان و پیشوایان دین و شیطان دخالت داشتند و از این لحاظ دانشمندان این تعبیر را از کلمه Ministerium که بمعنی تشریفات مذهبی است مشتق میدانند نه از کلمه یونانی Musterium که بمعنی مجموعه عتاد مذهبی یا مسلکی است که دانستن آن منحصر و مخصوص به مجارم و تردیکان باشد.

۱۰ - Farce از کلمه لاتین Farcire بمعنی بر کردن و آبستن گرفته شده است ولی در قرون وسطی بنوعی از نمایش اطلاق میشد که در آن سخن و حرکت با زمختی و شوخی‌های تند و مسخرگی توأم بود. اغلب نمایشنامه‌های «پلوت» Plaute در این مایه است.

۱۱ - Moralité در قرون وسطی به نمایشهای اخلاق میشد که برای تهذیب اخلاق جامعه نوشته میشد. برای این مقصود اشخاص بازی عموماً بسورت تمثیلی Allegorique بکار برده میشدند. باین معنی که وقایع و اشخاص بازی در اینگونه نمایشها بسورت رمز و کنایه است برای ایجاد تصویرهای ذهنی درباره اشیا و مطالب دیگر، بنظور توجه دادن و به فکر انداختن تماشاگران.

۱۲ - Hotel de Bourgogne کاخ مجلی بوده در پاریس متعلق به خانواده‌ای از اشراف فرانسه که معروفترین ایشان مردی بود بنام «ژان بی باک» Jean sans peur. این کاخ باستانی یک برج، که میکنند زندان همین «ژان» بوده، خراب شد و در سال ۱۵۴۸ گروهی از هنرپیشگان فرانسه بنام Confrérie de la Passion تماشاخانه‌ای برای خود در محل این کاخ بنا کردند.

۱۳ - Ronsard (۱۵۸۵ - ۱۵۷۴) شاعر فرانسه که در نوزده سالگی کر شد و همین امر موجب گردید که به ادبیات بپردازد و یکی از مؤسسان انجمنی از شاعران و نویسندگان بوده که خود را «برگاد» La Brigade یا «پلهیاد» Pléiade مینامیدند.

۱۴ - Pléiade در تاریخ اساطیری یونان قدیم در مورد انجمنی مرکب از هفت نفر از مشاهیر بکار میرفت و در زمان «پلیمپوس» مجمع هفت نفر از شاعران را بدین نام مینامیدند.

و بتدریج تئاتر رونق گرفت تا جایی که نمایشنامه‌نویسان از اینکه نامشان در اعلان‌های نمایش ذکر شود تحاشی و اعتراضی نشان نمیدادند .
 گروه تئاتر « هاردی » در سال ۱۶۲۲ بیک سفر هنری رفت و امکان بوجود آمدن گروه دیگری بنام « تئاتر دو ماره »^{۱۶} فراهم آمد . همانطور که قبلاً اشاره کردیم شیوه « شوکلاسیک » فرانسه باشیوه‌های دیگر هنر و ادبیات دراماتیک در خارج و داخل آن کشور بقدری متفاوت است که مطالعه درباره علل و جهاتی که موجب پیداشدن آن شده برای فهم آثار « راسین » بسیار ضروری است .
 هانری چهارم^{۱۷} با پذیرفتن آیین کاتولیک به جنگهای سیاسی که تحت لوای مذهب سالیان دراز در جریان بود پایان داد . قرارداد صلح با اسپانیا به امضاء رسید . اصلاحات اقتصادی و مالی در سراسر کشور فرانسه شروع شد ، جاده‌ها ساخته شد ، کشاورزی و صناعت رونق گرفت . شهر پاریس بتدریج اعتبار و اهمیت پایتخت را بخود گرفت و متر داشمی پادشاه شد . اینها همه علل و جهاتی بود برای پیداشدن توجه عمومی به داشتن يك حکومت مرکزی نیرومند و توانا .
 این اصلاحات بتدریج در نقاط دیگر کشور هم شروع شد و به برکت صلح و آرامش ، صنعت و کشاورزی مدام رو به ترقی بود . طبقه متوسط به رفاه و آسایش رسیدند و از بین ایشان بود که نویسندگان این دوره ظهور کردند . روستاییان و دانشمندان برای تحصیل مکتب و تجمل به شهر پاریس روی آوردند و دربار لوئی چهاردهم از لحاظ تجمل غنی‌ترین و از لحاظ انضباط منظمترین دربارهای جهان شد .

تأثیر این تحولات سیاسی و اجتماعی یکی این بود که اعتبار و اهمیت زیبایی‌های طبیعی، که در آغاز رنسانس مورد علاقه فراوان ادیبان و هنرمندان بود ، از میان رفت . سخن‌پردازان دیگر به وصف مناظر طبیعی جنگل و آبشار و دشت و صحرا تمییز داشتند ، و توجهشان فقط به شهر پاریس و زندگی پر تجمل آن معطوف شد . البته تعداد معدودی از شاعران و نویسندگان از جمله « راسین » از این بیماری تجمل‌ستایی ، تا حدودی بدور ماندند ولی وصف طبیعت برای عموم مردم تحمل‌ناپذیر شده بود . اگر هم مسائل طبیعی در آثار نویسندگان مطرح میشد مضمود خنثی و خوی آدمی بود زیرا در این قرن آدم نه بعنوان يك فرد بلکه بعنوان عضوی از هیئت اجتماع مورد مطالعه قرار میگرفت . عبارات دیگر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی بیش از هر چیز مورد علاقه بود .

از عوامل مهم دیگر که در نتیجه این توجه ، بطهور پیوست و در اینجا راجع بآن باید به اختصار شرحی بیان کنیم ایجاد تالارهای ادبی^{۱۸} بود . مقصود از تشکیل این محافل انس این بود که ذوق و شوق زیبایی‌پرستی و ادب‌خواهی در مردم بیدار شود و رفتار و گفتار ایشان از خشونت و نااهنجاری پاک گردد . عبارات دیگر عاملان این محافل میخواستند زندگی اجتماعی را مطبوع و دلپذیر سازند . در این محافل سیاست اصلاً راه نداشت و آزادمنشی مطلق در آن حکمروا بود و همه میهمانان با امتیازات مساوی در آن شرکت مینجستند و همه گفتگوها بر محور هنرهای زیبا میچرخید و به عشق و دوستی پایان مینیافت . در اینجا لازم است خاطر نشان شویم که هیچ‌نوع شایعه نامطلوبی که حاکی از روابط نامشروع شرکت‌گذاشتگان در این محافل باشد وجود نداشت . ولی

۱۵ - Alexandre Hardy (۱۶۳۱ - ۱۶۵۲) گروه نمایشنامه‌های او ضعیف است ولی این نویسنده پایه‌گذار ترازوی « شوکلاسیک » شناخته شده است .

۱۶ - Théâtre du Marais گروه تئاتری در فرانسه که در حدود سال ۱۶۰۰ تشکیل شد و همان گروهی است که نخستین بار نمایشنامه « سید » Le Cid را بنمایش گذاشت .

۱۷ - Henry IV .

۱۸ - عدد زیادی از یانوان ادیب‌دوست و اجتماعی ، محفل‌های ادبی تشکیل دادند که اولیاده معروفترین آنها میتوان نام « مادام دو سونییه » Mme. de Sevigné ، و « مادام دو رامبویه » Mme. de Rambouillet را نام برد .

شرکت کنندگان در این محافل در شان دادن نازک طبعی و ظرافت خواهی کمی زیاده روی میکردند و این نبود مگر بواسطه نفوذ صوری و معنوی جنس لطیف در اینگونه مجالس. تعبیر «مرد باشرف»^{۱۹} که در آثار دراماتیک این دوره فراوان بکار برده شده به کسی اطلاق میشد که رفتارش در اجتماع مطلوب و اطلاعاتش در ادبیات شایان توجه باشد. این تعبیر بیشتر در این مجالس استعمال میشد. کوششهای این محافل ادبی در ادبیات زمان تأثیر بسزائی داشت زیرا این محافل در حقیقت حکم دادگاهی را داشت که در آن درباره آثار ادبی داوری میشد. وجود این محافل ادبی با اقداماتی که از طرف آکادمی فرانسه در راه بی نقص ساختن زبان بعمل می آمد موجب شد که زبان فرانسه تحت نظم و قاعدهای استوار درآید.

«مالرب»^{۲۰} شاعر معروف این عهد هم در همین مسیر پیش میرفت. شاعران پیش از این دوره، خود را به اصول و قواعد شعری مقید نمیدانستند. صدها بحر و وزن عروضی بی سابقه اختراع کرده بودند. از بکار بردن تعبیرات محلی و احیاناً خوش آهنگ خودداری نداشتند. حتی کلماتی هم اختراع میکردند. اما چون «مالرب» متوجه شد که شعر بد سرودن کار آسانی است گفت شاعری باید بقدری مشکل باشد که در آثار ادبی فقط عالیترین محصول ذوقی آدمی بکار رود. از این رو همه بحرهای ساختگی را طرد کرد. فقط بحر «الکسندرن»^{۲۱} که نظیر بحر «شعر آزاد»^{۲۲} دوره الیزابت اول انگلیس بود مورد قبول او واقع شد. عامل مؤثر دیگری که در ادب و هنر این عهد اثر گذاشت و در پایان این بحث باید حتماً آنرا ذکر کنیم نفوذ «دکارت»^{۲۳} حکیم معروف بود که پس از تحقیقات عمیق فلسفی خود اعلام داشت که معلومات بشر بر پایه های منطقی استوار نیست زیرا انسان معلومات خود را به کمک حواس پنجگانه کسب میکند و عقل و منطق در آن دخالتی ندارد. «دکارت» استنتاجهای حسی را مطرود شناخت و برای کشف حقیقت و رسیدن به یقین یک طرح فلسفی پیشنهاد کرد و آن عبارت از این بود که از وجود آدمی شروع کنیم و هر چیز را با معیار عقل بسنجیم و بر اهنمانی منطق قدم بگذاریم. پیش برویم تا مورد قبول منطقی قرار گیرد. باین ترتیب دکارت به مردم زمان خود آموخت که چگونه باید منطقی فکر کنند. باینکه «دکارت» به الهام و مکاشفه اعتقاد نداشت و پیامبران و پیشوایان دین را بحق نمیدانست، به وجود خداوند ایمان داشت. ولی «پاسکال»^{۲۴} که ثنویسی توانا بود، یک مسیحی کاملاً مؤمن بحساب می آمد. پس عامل مذهب هم (مخصوصاً افکار مذهبی پاسکال و دوستانش، که در کلیسا و موعظه «پورت روایال»^{۲۵} مقیم بودند و هنگام بحث درباره نمايشنامه استر آگاهی از آن ضرورت پیدا میکند) در ظهور این نهضت ادبی و هنری تأثیر بسزایی داشته است.

مطالعات فرنگی

- ۱۹ Honnête homme - ۱۹
 ۲۰ François de Malherbe (۱۶۰۵ - ۱۶۲۸) شاعر نثرل سرای فرانسه.
 ۲۱ Alexandrin
 یا شش «ایامب» iambs (شش وند) باشد. و بعد از هجای ششم جمله قطع، و احساس وجود فاصله ای شود و این فاصله در زبان یونان قدیم و لاتین «سه زورا» Caesura نامیده میشود. چون نخستین منظومه حساسی که در سده ۱۲ میلادی، در این بحر سروده شده در وصف اسکندر مقدونی بوده بدین جهت آنرا الکسندرن مینامند.
 ۲۲ Blank verse این بحر مخصوص تراژدیهای دوره الیزابت اول انگلیس است و بحرست نزاری پنج وند «ایامب» iambs (۵-) یا ده هجا. در این نوع شعر قافیه منظم نیست و از این جهت آنرا «شعر آزاد» می نامیم.
 ۲۳ Descartes (۱۶۰۰ - ۱۵۹۶) فیلسوف و ریاضیدان فرانسه که اساس فلسفه جدید را طرح کرد.
 ۲۴ Pascal (۱۶۶۲ - ۱۶۶۳) دانشمند و فیلسوف بزرگ فرانسه.
 ۲۵ Port Royal صومعه ای در پاریس که در آن زبان تارک دنیا، که پیرو ملک «سن برنارد» و Saint Bernard و از جوانان فرقه «ژانه نیست» Jansensite ها بودند در آن بر میبردند. پیشوایان این فرقه درحول وحوش این صومعه مدارس برای تعلیمات دینی خود تأسیس کردند و کتابهای درسی مخصوصی برای تدریس در آن مدارس منتشر ساختند که همه مستوف به «پورت روایال» بود. مثل دستور زبان «پورت روایال»، منطق «پورت روایال» و از این قبیل. پاسکال دانشمند معروف فرانسه در این مدارس و باین شیوه تربیتی، تربیت یافت.